



RESEARCH ARTICLE

Examining Cultural Policies of the Islamic Republic in the Field of Fiction by Revolutionary Writers

Elham Masoumi Nejad¹, Mohammad Tohidfam^{2*}, Maryam Esmaeili Fard³, Ali Ashraf Nazari⁴

1. PhD Student of Public Policy, Department of Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: emasominezhad64@gmail.com

2. Professor of Political Science Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Corresponding Author's Email: tohidfam@iau.ac.ir

3. Assistant Professor of Political Science Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: maryam.esmaeilifard@srbiau.ac.ir

4. Associate Professor of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: asshraf@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102507>

Received: 24 February 2025

Accepted: 29 April 2025

ABSTRACT

The article examines the cultural policies of the Islamic Republic of Iran in the field of fiction by revolutionary writers after the Islamic Revolution. And, using the institutionalist method, an attempt has been made to outline the cultural policy-making environment of the Islamic Republic. Documents and development programs have been examined. The main question is what approach have the post-Islamic Revolution governments had towards the fiction of revolutionary writers and whether the policies adopted have been of a supportive nature? The hypothesis is that the cultural policies of the Islamic Republic have not reflected the support for the fiction of revolutionary writers directly and transparently in the laws. The findings show that cultural policy-making in the field of fiction in each of the governments is affected by the cultural discourse prevailing in that government. And despite numerous weaknesses, efforts have been made to support artists, but the laws have not explicitly addressed revolutionary writers as an independent movement.

Keywords: Fiction, Islamic Revolution, Cultural Policy, Institutionalism.

Citation: Masoumi Nejad, Elham; Tohidfam, Mohammad; Esmaeili Fard, Maryam; Ashraf Nazari, Ali (2025). Examining Cultural Policies of the Islamic Republic in the Field of Fiction by Revolutionary Writers. *Iranian Journal of Public Policy*, 11 (2), 67-80.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102507>

Published by University of Tehran.



This Work Is licensed under a [Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International \(CC BY-NC 4.0\)](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)



مقاله پژوهشی

بررسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی

الهام معصومی نژاد^۱، محمد توحیدفام^{۲*}، مریم اسماعیلی فرد^۳، علی اشرف نظری^۴

۱. دانشجوی دکتری سیاستگذاری عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رایانامه: emasominezhad64@gmail.com

۲. استاد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: tohidfam@iau.ac.ir

۳. استادیار علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

رایانامه: maryam.esmaeilifard@srbiau.ac.ir

۴. دانشیار علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

رایانامه: asshraf@ut.ac.ir

 <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102507>

تاریخ دریافت: ۶ اسفند ۱۴۰۳
تاریخ پذیرش: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

چکیده

مقاله حاضر به بررسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی می‌پردازد. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد نهادگرایی تلاش شده است تا فضای سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ترسیم شود. قلمرو زمانی مقاله از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲ شامل دولت‌های پنجم تا دهم است. اسناد و برنامه‌های توسعه برای تحلیل دقیق‌تر و نشان دادن روند تحولات مورد بررسی قرار گرفته‌اند. پرسش اصلی این است که دولت‌های پس از انقلاب اسلامی چه رویکردی در قبال ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی داشته‌اند و آیا سیاست‌های اتخاذ شده ماهیت حمایتی داشته‌اند؟ فرضیه مقاله این است که سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی حمایت از ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی را به صورت مستقیم و شفاف و به عنوان یک جریان مستقل منعکس نکرده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاستگذاری فرهنگی در حوزه داستانی در هریک از دولت‌ها متأثر از گفتمان فرهنگی حاکم بر آن دولت می‌باشد.

واژگان کلیدی: ادبیات داستانی، انقلاب اسلامی، سیاستگذاری فرهنگی، نویسندگان انقلابی، نهادگرایی.

استناد: معصومی نژاد، الهام؛ توحیدفام، محمد؛ اسماعیلی فرد، مریم؛ اشرف نظری، علی (۱۴۰۴). بررسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی. فصلنامه سیاستگذاری عمومی، ۱۱ (۲)، ۸۰-۶۷.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jppolicy.2025.102507>



ناشر: دانشگاه تهران.

مقدمه

ادبیات داستانی، به عنوان یکی از ابزارهای مهم فرهنگی، می‌تواند بازتاب‌دهنده واقعیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه باشد. از این رو، مطالعه آثار ادبی و بررسی سیاست‌های مرتبط با آن، نه تنها به فهم بهتر فضای فرهنگی حاکم کمک می‌کند، بلکه اطلاعات ارزشمندی برای برنامه‌ریزان و سیاستگذاران فرهنگی فراهم می‌آورد. در این راستا، به ویژه توجه به ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی اهمیت می‌یابد؛ چرا که این آثار، با محوریت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی، نقش مؤثری در انتقال فرهنگ و ارزش‌های ملی و میهنی ایفا می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران و محققان ضعف‌های ادبیات داستانی انقلاب را نتیجه فضای سیاستگذاری نادرست و ضعف در مدیریت فرهنگی می‌دانند. سیدمهدی شجاعی بر این باور است که مشکل اصلی در مدیریت فرهنگی کشور نهفته است. او بیان می‌کند که هرچند نویسندگی و شاعری ماهیتی فردی دارد، اما یک مدیریت فهیم، دلسوز، خلاق و فرهنگی می‌تواند بیشترین نقش را در رشد و تکامل یا در رکود و نزول تولید ادبی ایفا کند (شجاعی، ۱۳۸۷: ۲۴). محمدرضا سرشار نیز در کتاب ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب اسلامی به بیان ضعف‌ها و کمبودهای این حوزه پرداخته و این مشکلات را به ناکارآمدی در جریان سیاستگذاری فرهنگی نسبت می‌دهد (سرشار، ۱۳۹۰: ۴۹۰-۴۹۳). شهریار زرشناس نیز با تأکید بر پیامدهای منفی مدیریت‌های فرهنگی ناآگاه، غیرم تخصص و سست‌اعتقاد معتقد است که برخی مدیران فرهنگی خود در باورهای انقلابی دچار ضعف هستند. او بر این نکته تأکید دارد که مدیریت فرهنگی نیازمند افرادی فرهنگ‌شناس، آرمان‌گرا و ایدئولوژیک است. زرشناس با اشاره به شرایط جنگ فرهنگی، بر ضرورت برنامه‌ریزی بلندمدت توسط مدیران و سیاستگذاران تأکید می‌کند (حنیف، ۱۳۹۵: ۶۲۱). پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است که دولت‌های پس از انقلاب اسلامی چه رویکردی نسبت به ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی اتخاذ کرده‌اند و آیا این سیاست‌ها جنبه حمایتی داشته‌اند یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، سیاست‌های فرهنگی دولت‌های پنجم تا دهم جمهوری اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه در سیاست‌های رسمی و قوانین کشور عنوان «نویسندگان انقلابی» به صراحت مطرح نشده است، اما با بررسی کلی جریان سیاستگذاری‌های فرهنگی، می‌توان به درک رویکرد دولت‌ها نسبت به این جریان ادبی دست یافت. اصطلاح «نویسندگان انقلابی» عنوانی است که پس از انقلاب اسلامی، توسط پژوهشگران ادبیات داستانی برای اشاره به نویسندگانی که بر اساس ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی فعالیت کرده‌اند، استفاده شده است. این اصطلاح اگرچه به طور مستقیم در سیاست‌های رسمی مورد توجه قرار نگرفته، اما تحلیل سیاستگذاری‌ها در حوزه ادبیات داستانی می‌تواند خلأهای موجود را شناسایی کرده و گامی در جهت تقویت جایگاه این ادبیات به عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی بردارد. در نهایت، این پژوهش بر اهمیت سیاستگذاری‌های فرهنگی به عنوان عاملی کلیدی در شکل‌گیری آثار ادبی و میزان دخالت دولت در این حوزه تأکید دارد. سیاستگذاری‌های فرهنگی بازتاب‌دهنده رویکردهای کلان دولت در مواجهه با فرهنگ و هنر هستند و میزان این دخالت، نقش مهمی در تعیین سطح استقلال یا وابستگی فرهنگی و هنری جامعه ایفا می‌کند. از این رو، تحلیل سیاست‌های فرهنگی می‌تواند به ارتقای سطح کیفی ادبیات داستانی و بهبود عملکرد دولت‌ها در این عرصه کمک کند.

چارچوب نظری

در این مقاله، چارچوب نظری نهادگرایی، به عنوان ابزاری کلیدی برای تحلیل سیاستگذاری عمومی در حوزه فرهنگی به کار گرفته شده است. این چارچوب با تمرکز بر ساختارها، هنجارها و قوانین، امکان بررسی نقش نهادها در طراحی و اجرای سیاست‌های فرهنگی را فراهم می‌کند. به ویژه با استفاده از رویکرد نهادگرایی، می‌توان فرآیندهای رسمی و غیررسمی تأثیرگذار بر سیاستگذاران را تحلیل کرده و تعامل میان دولت، بازار و جامعه مدنی را در تولید و اشاعه محصولات فرهنگی بررسی کرد. این رویکرد به درک بهتر از نحوه تأثیرگذاری قواعد و رویه‌های نهادی بر رفتار کنشگران و نتایج سیاست‌های فرهنگی کمک کرده و چارچوبی برای طراحی سیاست‌های واقع‌گرایانه، منعطف و منطبق با نیازهای اجتماعی ارائه می‌دهد. گذشته از دیدگاه‌ها و نظرات مختلف درباره

دخالت دولت در عرصه فرهنگی، مک‌گویگان در مقدمه کتاب «بازاندیشی در سیاست فرهنگی» سیاست فرهنگی را به عنوان اقدامات و فعالیت‌های هوشمندانه و از روی تعمد و از پیش طراحی شده‌ای می‌داند که نهادهای مختلف مانند دولت، بازار یا جامعه مدنی در جهت تولید، توزیع و اشاعه محصولات فرهنگی انجام می‌دهند (Goygan, 2009: 7). براساس تعریف شورای عالی انقلاب فرهنگی، «سیاست فرهنگی در حقیقت توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌های فرهنگی است. درواقع سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه‌ای از دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، نوعی دستورالعمل فرهنگی است. بنابراین، «سیاست فرهنگی معاهده‌ای است که سلسله‌ای از اولویت‌ها و اصول و فروع یک حرکت فرهنگی را تعیین می‌کند و همفکری و هم‌جهتی را با همکاری و هماهنگی توأم می‌کند. چهارچوبی ملهم از آرمان‌ها و اعتقادات، ناظر بر تجربه‌ها و واقعیات، محدود به ظرفیت‌ها و امکانات، توجه به آینده و اهداف بعید و قریب که به هر حال در ظل و ذیل قانون اساسی قرار گرفته است» (Supreme Council of the Cultural Revolution, 2000). سیاست فرهنگی همچنین باید منعطف و انضمامی و تجربی و انتخابی باشد و بر اساس تعریف محدودی از فرهنگ استوار باشد و صرفاً به برخی از متغیرهای راهبردی در سطح فوقانی جامعه توجه کند؛ همچنین می‌بایست ویژگی ساختاری و نه اجباری داشته باشد؛ چرا که برای جلب مشارکت عموم باید ویژگی داوطلبانه داشته باشد، واقع‌گرایانه و منطبق با وجدان عمومی جامعه و نیز آینده‌نگر باشد (Salehi Amiri, 2006: 119).

نهادگرایی

نهادگرایی، هم به عنوان یک چارچوب نظری برای تحلیل نهادهای سیاسی و هم به عنوان یک روش پژوهشی برای مطالعه عملی این نهادها، از اهمیت ویژه‌ای در علوم سیاسی برخوردار است. این رویکرد، با تمرکز بر قوانین، رویه‌ها و هنجارهای حاکم بر رفتار سیاسی، به درک بهتر پدیده‌های سیاسی کمک می‌کند. نهادگرایی نه تنها به ما می‌گوید که نهادها چگونه عمل می‌کنند (ابعاد نظری)، بلکه به ما ابزارهایی برای مطالعه تجربی این نهادها نیز ارائه می‌دهد (ابعاد روش‌شناختی) (Haghighat, 2008: 198). نهاد به عنوان یک ساختار اجتماعی، مجموعه‌ای از قواعد، هنجارها، و الگوهای رفتاری است که روابط بین افراد را در یک جامعه شکل داده و هدایت می‌کند. این ساختارها، از طریق ایجاد چارچوب‌های مشخص برای تعاملات اجتماعی، به سازماندهی و پیش‌بینی رفتارهای انسانی کمک می‌کنند. به عبارت دیگر؛ نهادها، مکانیزم‌هایی هستند که روابط اجتماعی را به سمت اهداف خاصی هدایت کرده و ویژگی‌های مشخصی به آن‌ها می‌بخشند. دو مؤلفه کلیدی در تعریف نهاد، «روش» و «ارتباط» هستند. نهاد به عنوان یک «روش»، نحوه تنظیم و سازماندهی «ارتباطات» بین افراد را در یک جامعه مشخص می‌کند. این تعریف کاملاً موسع است و بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی و فردی را در برمی‌گیرد (Ashtarian, 2012: 4-5). نگاه نهادی در علوم سیاسی با تمرکز بر قانون اساسی به عنوان هسته اصلی تحلیل آغاز می‌شود. این رویکرد، قانون اساسی را به عنوان مهم‌ترین عامل شکل‌دهنده روابط سیاسی تلقی می‌کند. به عبارت دیگر، قانون اساسی به عنوان یک متغیر کلیدی، رفتارهای سیاسی در سطح کلان را تبیین می‌کند. با این حال، این دیدگاه تنها بخشی از نهادگرایی را تشکیل می‌دهد. در واقع، نهادگرایی دامنه وسیع‌تری از مطالعه را شامل می‌شود که به بررسی تمامی ترتیبات رسمی و قانونی می‌پردازد (Stoker, 2005: 8). روش سنتی نهادی در علوم سیاسی، بر اساس دیدگاه جانسون و مارش و استوکر، به مطالعه نقش نهادهای سیاسی در شکل‌دهی رفتار سیاسی افراد می‌پردازد. این روش بر این باور است که نهادها با القای هنجارها و قوانین، رفتار سیاسی افراد را هدایت می‌کنند. ویژگی‌های اصلی این روش عبارت‌اند از:

۱. توصیفی-استقرایی: با مشاهده مستقیم پدیده‌های سیاسی و استنباط قوانین کلی، رفتارهای سیاسی را توصیف و تبیین می‌کند.
۲. قانونی-رسمی: مطالعه قوانین اساسی، قوانین عادی و ساختارهای رسمی حکومت را به عنوان عوامل شکل‌دهنده رفتار سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد.
۳. مقایسه‌ای-تاریخی: با مقایسه نهادهای سیاسی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، علل شکل‌گیری و عملکرد آن‌ها را شناسایی و الگوهای کلی تحولات سیاسی را کشف می‌کند (Stoker, 2005: 85-89). یکی از عمده‌ترین انتقادات

وارد بر رویکردهای سنتی نهادی، ناتوانی آنها در ارائه یک تبیین جامع از پدیده‌های سیاسی است. این رویکردها با تمرکز بر جنبه‌های رسمی و قانونی نهادها، عوامل غیررسمی همچون هنجارهای اجتماعی، روابط قدرت نامرئی و شبکه‌های اجتماعی را نادیده می‌گیرند. در نتیجه، این دیدگاه‌ها در ارائه راهکارهای عملی برای سیاستگذاری عمومی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شوند. این انتقاد در واقع بازتابی از انتقادات کلی‌تر وارد بر علوم سیاسی است. بسیاری از منتقدان بر این باورند که علوم سیاسی در گذشته بیش از حد به مسائل نظری و انتزاعی پرداخته و از پرداختن به مشکلات واقعی جامعه غافل شده است (Ashtarian, 2008: 6). در مجموع، چارچوب نظری نهادگرایی با تمرکز بر نقش نهادها به عنوان ساختارهایی شکل‌دهنده و هدایت‌گر روابط اجتماعی و سیاسی، ابزار قدرتمندی برای تحلیل سیاستگذاری عمومی ارائه می‌دهد. این چارچوب به‌ویژه در تحلیل سیاست‌های فرهنگی، ابزاری مؤثر برای بررسی نقش نهادها در طراحی و اجرای سیاست‌های مبتنی بر واقعیت‌های اجتماعی و نیازهای جامعه محسوب می‌شود. سیاستگذاری فرهنگی دولت در دو سطح قابل توجه است، سطح اول که Cultural Politics به آن می‌گویند؛ به طور عام بر ارزشها و اصولی اطلاق می‌شود که انسانها را در مسائل فرهنگی هدایت و راهنمایی می‌کند. در حقیقت این سیاست‌ها اصول کلی درباره اهداف اصلی و غایی در حوزه فرهنگ را ارائه می‌دهند. دوم سطح خط‌مشی‌های فرهنگی Cultural Policy است. این خط‌مشی‌ها عینی‌تر بوده، تدابیر و راهکارهای اجرایی را در اختیار دست‌اندرکاران قرار می‌دهد که تصمیمات و اقدامات آنان بر زندگی مردم تأثیرگذار است (Zakai, 2010: 91-92). از حیث منشاء، سیاستگذاری فرهنگی را می‌توان در دو سرمشق کلی به شرح جدول ۱ خلاصه کرد.

جدول ۱ - سرمشقه‌های سیاستگذاری فرهنگی (Azad Aramaki, 2010: 66)

سرمشق	آرمانگرا	واقع‌گرا
مبنای نظری	حکومت عهده دار پیاده کردن آرمانها و پالودن حوزه فرهنگ عمومی است	حکومت مسئول در نظر گرفتن واقعیات و تکرر موجود در فضای فرهنگی و اجتماعی است
معیار	تعبیر ایدئولوژیک از آرمانها	خواسته‌ها و تمایلات اقشار مختلف
منبع	ایدئولوژی	مصلحت‌اندیشی معطوف به مساله
روش شناسی	عقلگرایی فراگیر مبتنی بر ارزشها	تحلیل هزینه-فایده، تجزیه و تحلیل عینی مشکلات
تمایزگذاری	بر مبنای حدود و ارزشها	بر مبنای اجتماعی بودن
زبان	واژگان و مفاهیم از پیش تعیین شده	اصول عقلانی و اجتماعی
محدوده عمل	فراگیر حتی شاید در حوزه خصوصی	گزینش تجربی مواضع مناسب، روابط بین فردی
هدف	سعادت انسانها	مصلح فردی و جمعی
روش عمل	اقدام در سطح جامعه به عنوان یک کل	آزمون و خطا و تجربه مداوم
راه درونی کردن	گردن نهادن به حدود و اوامر	عقل و محاسبه
ابزار اجرا	تبلیغ و هدایت و در صورت لزوم اجبار	تبلیغات و قوانین

در سیاستگذاری آرمان‌گرا، سیاستگذار به دنبال امری ذهنی و گاه خیالی است که نه آرمانی است و نه مبتنی بر داده‌های عینی. در واقع این نامناسب‌ترین نوع سیاستگذاری است زیرا در این حالت، سیاستگذار براساس اندیشه‌های تقلیدی که کاملاً فهمیده نشده‌اند عمل می‌کند (Ashtarian, 2012: 68). همچنین در بین نظریه‌پردازان حوزه فرهنگ سه نوع رویکرد به برنامه‌ریزی فرهنگی وجود دارد: دسته اول موافق برنامه‌ریزی فرهنگی‌اند؛ دسته دوم مخالف‌اند و دسته سوم به نظریه حد وسط اعتقاد دارند. این گروه اگرچه معتقد به عدم دخالت و برنامه‌ریزی در حوزه نظام‌های ارزشی و اعتقادی فرهنگ هستند، ولی برنامه‌ریزی برای تولید، توزیع و مصرف کالاهای فرهنگی را عقلانی و موجه می‌دانند. از نظر این گروه چون تولیدات فرهنگی دارای ابعاد ارزشی

هستند، قابل تقلیل به تولیدات اقتصادی نیستند، ولی از آنجا که مادیت دارند و در بازار رفتار «شبه کالایی» از خود بروز می دهند مستقل از نظام های ارزشی فرهنگ ها عمل می کنند. این دیدگاه صنعت فرهنگ نامیده می شود. گفتنی است با وجود تمام نظریه های موجود در زمینه برنامه ریزی فرهنگی و مخالفت بسیاری از دولت های لائیک با برنامه ریزی دولتی، عملاً در این حوزه برنامه ریزی دولتی اعمال می شود (Shakibania, 2015). به هر حال هر کشور یک سیاست فرهنگی خاصی را دنبال می کند و این واقعیتی است که اخیراً به نحو چشمگیری شکل گرفته؛ از این رو باید به مسئله اندازه و نوع مداخله دولت در فرهنگ پرداخت که میزان دخالت دولت در فرهنگ به نوع و ایدئولوژی هر حکومت بستگی دارد (Fazli, 2006).

پیشینه پژوهش

شریفی (۲۰۱۲) در مقاله «واکاوی سیاستگذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران» به بررسی رابطه فرهنگ و سیاستگذاری پرداخته و بر اهمیت این رابطه در ایجاد تحولات اجتماعی تأکید دارد. نویسندگان به آسیب شناسی سیاستگذاری فرهنگی در ایران پرداخته و چالش هایی مانند عدم انعطاف پذیری سیاست ها، فقدان هماهنگی میان مجریان، بی توجهی به نهادهای مردمی، ضعف در نظارت و ارزیابی و نبود مکانیسم های خودکنترلی را به عنوان مشکلات اصلی معرفی کرده اند.

رضانی و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله «سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران: پیشینه، الگوها و آسیب ها با تأکید بر مفهوم مرجعیت» به بررسی چالش های سیاستگذاری فرهنگی در ایران پرداخته و نشان می دهند که فقدان مرجعیت واحد در حوزه فرهنگ باعث پراکندگی نهادها و تضعیف اثربخشی سیاست ها شده است. صفایی و رهبر (۲۰۲۳) در مقاله «چرخه گفتمانی در سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۷۰» به تحلیل جایگاه انقلاب اسلامی در تحول سیاستگذاری فرهنگی ایران می پردازد. پژوهش نشان می دهد که پس از انقلاب، گفتمان فرهنگی از غربی و غیراسلامی به گفتمان دینی و اسلامی تغییر کرده و در دهه ۷۰، سیاستگذاری فرهنگی در دو گفتمان سنتی-انقلابی و توسعه ای-لیبرال قابل تقسیم بندی است. فریدون اکبری شلدراهی (۲۰۰۳) در کتاب «درآمدی بر ادبیات داستانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی» به تحلیل داستان نویسی پس از انقلاب و تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی بر اندیشه و محتوای نویسندگان پرداخته است. این کتاب با تقسیم بندی دوره های تاریخی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۷۷، تفاوت های ارزش ها و روش های داستان نویسی پیش و پس از انقلاب را بررسی کرده و به واکنش های نویسندگان در قبال مسائل سیاسی و اجتماعی در این دوران می پردازد. کتاب «شناخت ادبیات انقلاب اسلامی» نوشته غلامرضا کافی (۲۰۱۱) نیز به بررسی وضعیت شعر و نثر در ادبیات انقلاب اسلامی و تأثیر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی بر ادبیات داستانی پرداخته است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که مطالعات متعددی در حوزه سیاستگذاری فرهنگی ایران انجام شده است. با این حال، مطالعات پیشین بیشتر به تحلیل محتوای آثار ادبی، ارزیابی کلی سیاست های فرهنگی و آسیب شناسی وضعیت موجود پرداخته اند. در حالی که کمتر به بررسی دقیق و نظام مند نقش دولت در شکل دهی و هدایت ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی از منظر نهادگرایی پرداخته شده است.

بررسی سیاستگذاری فرهنگی جمهوری اسلامی در حوزه ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی

با توجه به محدودیت سیاستگذاری های صورت گرفته در حوزه ادبیات داستانی، در این پژوهش تلاش شده است تا آنچه که به شکل مستقیم و غیرمستقیم با ادبیات داستانی و مباحث مربوط به ادبیات انقلاب اسلامی مرتبط است و در تمام حوزه های مختلف سیاستگذاری آمده، مورد توجه قرار گیرد. در واقع، از آن جا که به شکل مستقیم به ادبیات داستانی نویسندگان انقلاب اشاره نشده است، مقاله حاضر ادبیات داستانی را ذیل مجموعه اقدامات صورت گرفته لحاظ کرده و به تبع، ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی نیز خود در زیرمجموعه ادبیات داستانی قرار می گیرد.

دولت‌های پنجم و ششم (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)، سیاستگذاری فرهنگی در ایران با تمرکز بر بازسازی اقتصادی و اجتماعی کشور، تأثیر چشمگیری از شرایط پس از جنگ تحمیلی گرفت. این دوره با رویکرد توسعه‌محور و تأکید بر اعتدال و تعامل در عرصه‌های داخلی و خارجی همراه بود که در سیاست‌های فرهنگی نیز نمود یافت. سیاست‌های فرهنگی این دوران عمدتاً بر تقویت هویت ملی، بازسازی نهادهای فرهنگی و گسترش فعالیت‌های هنری و رسانه‌ای استوار بود. «دولت معتقد به نظارت حداقلی حکومت بر رفتار شهروندان و کالاها و فراورده‌های فرهنگی بود، با تأکید بر نوعی پلورالیسم بر ضرورت تساهل در برخورد با رفتارهای اجتماعی و رویکردها و رفتارهای مختلف فرهنگی تأکید می‌کرد» (Fawzi, 2019:117). تلاش برای ایجاد توازن میان ارزش‌های انقلاب اسلامی و نیازهای مدرن جامعه، از جمله ویژگی‌های برجسته این دوره بود که در نهایت انتقاداتی را نیز برانگیخت. همزمانی رویدادهای مهم سیاسی با روی کار آمدن دولتی که رویکردهای اقتصادی و فرهنگی نوینی را دنبال می‌کرد، منجر به تحولات گسترده‌ای در ساختار اجتماعی کشور شد. در این ایام اقدامات قابل توجهی در حوزه‌های عمرانی و اقتصادی صورت گرفت، اما به تدریج مسائل فرهنگی و ارزش‌های انقلاب اسلامی به حاشیه رانده شده و به چالش اصلی دولت سازندگی تبدیل شدند. سیاست‌های کلی دولت هاشمی بر پایه ایجاد یک جامعه بازتر از منظر فرهنگی، انعطاف‌پذیری در مواجهه با الگوهای سنتی مذهبی، بهره‌گیری از تخصص و روش‌های نوین و کاهش دخالت دولت در اقتصاد استوار بود (Bahmi, et al., 2019: 292-293). یکی از مهمترین ویژگی‌های این دوره، شکل‌گیری رویکردی لیبرال-دموکراتیک به مدیریت فرهنگی است. این رویکرد با کاهش تأکید بر فرهنگ به عنوان یک ابزار ایدئولوژیک و ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی همراه بود. به موازات این تغییرات، ارزش‌های انقلابی به تدریج کمرنگ شده و نگاهی فراساختاری به فرهنگ جایگزین شد. در این دوره، تلاش شد تا مسائل فرهنگی در قالب قوانین و مقررات حقوقی ساماندهی شود. همچنین، با کاهش کنترل بر تولیدات فرهنگی و اعمال نظارت پس از انتشار، فضایی برای تنوع و رشد تولیدات فرهنگی فراهم شد. گسترش نهادهای فرهنگی نوین و گرایش به مدرنیسم نیز از دیگر ویژگی‌های بارز این دوره است. همچنین، کمرنگ شدن تدریجی ارزش‌های انقلابی و گرایش به عرفی شدن امور دینی، نگرانی‌هایی را در خصوص تضعیف بنیان‌های فرهنگی و دینی جامعه برانگیخت (Julai & Entezari, 2021: 160-161). در خصوص جریان ادبیات داستانی که تأثیر گرفته از سیاست‌های اتخاذ شده در این دوران بود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: مشکلات اقتصادی ناشران که منجر به کاهش چاپ کتاب شد، استعفای وزیر ارشاد سید محمد خاتمی به دلیل فشارهای سیاسی، جریان مضاعف ممیزی و به دنبال آن رشد پاورقی‌نویسی، عدم فعالیت کانون نویسندگان. همچنین در خصوص ویژگی‌های ادبیات انقلاب در دهه دوم انقلاب، بیژن کیا تأکید می‌کند که ادبیات داستانی دهه دوم انقلاب ویژگی‌هایی دارد که آن را از دوره‌های پیشین و پسین خود متمایز می‌کند. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به توجه به ساختار، فرم و صورت، شکست الگوی چپ و نظریه‌پردازی جدید، حضور چشمگیر زنان نویسندگان در عرصه ادبیات داستانی ایران، گرایش به روایت‌گری به زبان ساده و توصیفی، گرایش به جزئیات و جایگزینی آن به جای کلی‌نگری، تقویت گرایش ابژکتیو در مقابل بیان‌های سوژکتیو، رواج مینی‌مالیسم در ادبیات داستانی، گسترش ادبیات ژورنالیستی، گسترش ترجمه نظریه‌ها و دیدگاه‌های جدید در عرصه ادبیات داستانی، اما به شکل شتاب‌زده و خام و ظهور ادبیات داستانی تجربه‌گرا اشاره کرد (Turki, 2015: 17).

برنامه اول توسعه

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) در دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی، نقشی مهم در جهت‌دهی به ادبیات داستانی دهه ۷۰ داشت. در این برنامه، بند (۳-۱۳)، به تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی به منظور ارتقای سطح کیفی فرهنگ عمومی و توجه به نسل جوان پرداخته شد. فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با هدف تقویت زبان فارسی در تولیدات ادبی، به نویسندگان کمک کرد تا به جنبه‌های زبانی و زیبایی‌شناختی آثار خود توجه بیشتری داشته باشند. گروه

پژوهشی ادبیات انقلاب اسلامی تحت نظر این فرهنگستان به تحلیل مؤلفه‌های ادبیات انقلاب اسلامی، نقد علمی آثار و معرفی نویسندگان و شاعران برتر پرداخت و در تقویت این حوزه با برگزاری نشست‌ها و انتشار فصل‌نامه‌ها نقش‌آفرینی کرد. برنامه اول توسعه، با تأکید بر هویت ملی و حمایت از زبان و ادبیات فارسی، بستر لازم برای رشد ادبیات داستانی داخلی را فراهم ساخت. این اقدامات باعث تقویت گرایش به زبان ساده و دقیق، توجه به جزئیات در روایت، و رشد جریان‌های تجربه‌گرا در ادبیات شد. همچنین، این نهاد از طریق گسترش فعالیت‌های پژوهشی، فرصتی برای تأمل نویسندگان بر ساختار و فرم آثارشان فراهم کرد. در نهایت، تأکید برنامه اول توسعه بر تأسیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی و تقویت ادبیات انقلاب اسلامی، جریان ادبیات داستانی این دوره را از نظر کیفیت زبانی، عمق محتوایی و هویت فرهنگی ارتقا داد و به شکل‌گیری ادبیات داستانی متمایز در این دهه کمک کرد.

دولت‌های هفتم و هشتم (۱۳۷۶-۱۳۸۴)

گفتمان فرهنگی دولت محمد خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) بر پایه مفاهیمی چون گفت‌وگوی تمدن‌ها، توسعه فرهنگی، تکثرگرایی، آزادی بیان و مطبوعات، تقویت جامعه مدنی و اصلاحات اجتماعی و سیاسی شکل گرفت. این گفتمان به دنبال ایجاد فضایی بازتر و مشارکتی‌تر در حوزه فرهنگ و سیاست بود. این گفتمان، هرچند در میان بخش‌هایی از جامعه با استقبال مواجه شد، اما با مقاومت‌هایی از سوی جناح‌های محافظه‌کار نیز روبه‌رو بود که بر محدودسازی برخی از این اصلاحات تأکید داشتند. با روی کار آمدن دولت خاتمی، سومین دوره ده ساله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه ادبیات داستانی آغاز شد و ادبیات نیز جانی تازه گرفت. در کنار رشد آزادی‌های سیاسی و کاهش ممیزی، نشریات ادبی و فرهنگی در جامعه فضای بیشتری برای فعالیت پیدا کردند و فضای جامعه بازتر شد (Mir Abedini, 2000: 190). موفق‌ترین جنبه کارنامه اصلاح‌طلبان، بهبود فضای فرهنگی جامعه است. در این دوره، هنرمندان و نویسندگان در حوزه‌های موسیقی، فرهنگ، سینما و تئاتر، فرصتی برای ارائه آثاری یافتند که در دهه ۶۰ به شدت محدود بود. این گشایش به آن‌ها اجازه داد تا ابعاد جدیدی از خلاقیت و تولید هنری و فکری را به جامعه معرفی کنند. پس از دوم خرداد، نشریات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی توانستند ظاهر و منتشر شوند. علاوه بر نشریات عمومی، بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای آموزشی، فرهنگی و اقتصادی نیز اقدام به انتشار نشریات حرفه‌ای کردند. از ویژگی‌های بارز نشریات و مطبوعات این دوره، جسارت آن‌ها در طرح مسائل سیاسی و فراتر رفتن از مرزهای سانسور و تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. این فعالیت‌ها به قدری اهمیت یافت که بسیاری از فعالان سیاسی و محققان، نشریات را به عنوان جایگزین احزاب سیاسی ایران مطرح کردند. افزایش تعداد کتاب‌های منتشر شده از ۴۰۰۰ عنوان در دهه چهل به ۱۴۰۰۰ جلد در دوران آقای رفسنجانی و ۴۰۰۰۰ جلد در دوران آقای خاتمی، گواهی بر پیشرفت فرهنگی جامعه است (Mehdi, 2006: 33-34). تغییرات فرهنگی در این دوران شامل موارد زیر است: کاهش اهمیت تهاجم فرهنگی در نتیجه تساهل و تسامح، رشد و تنوع سریع در مطبوعات، تلاش برای گشایش فضای سیاسی و فرهنگی، ایجاد توازن میان توقعات جامعه مدنی و انتظارات حاکمیت، بهره‌بردن از ظرفیت‌های جهانی‌شدن فرهنگ، آزادی فعالیت مطبوعات در چارچوب قانون، فرهنگ‌سازی در زمینه استفاده از ماهواره و اینترنت، حمایت از هنر آزاد (سینما، نمایش، طنز)، کاهش دخالت دولت، انحراف از مواضع اصولی انقلاب اسلامی، توسعه روابط فرهنگی با کشورهای غربی، ایجاد حلقه‌های فرهنگی و رسانه‌ای، اصلاح قانون مطبوعات برای حمایت از روزنامه‌نگاری، کارآمد کردن نظام‌های نظارتی فرهنگی، طراحی و تصویب قوانین حمایت از تولیدکنندگان فرهنگی، حذف ممیزی در حوزه‌های مختلف، حمایت از حقوق نویسندگان و محققان، جلوگیری از نقض حریم اندیشه و علم، اصلاح ساختار اقتصادی فرهنگ، جلوگیری از انحصار مالی و تشویق بخش خصوصی به فعالیت‌های هنری، و ایجاد فضای باز سیاسی و فرهنگی است (Julai & Entezari, 2021: 160-161). در این زمان، بنا بر تصمیم وزیر ارشاد، کتاب‌هایی که یک بار مجوز چاپ گرفته بودند، برای بار دوم دیگر نیازی به مجوز مجدد نداشتند. بر این اساس، آثاری مانند «کلیدر» محمود دولت‌آبادی که در دوره وزارت

میر سلیم سه سال اجازه چاپ پیدا نکرده بودند، به بازنشر وارد شدند. از مجموعه رخدادهایی که در دولت‌های هفتم و هشتم در حوزه ادبیات داستانی رخ داد و می‌توان به آن اشاره کرد، این است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای اولین بار بعد از بیست سال در اسفند ۱۳۷۷، از برخی از آثار منتشر شده در این ایام تجلیل کرد. برخی از آثار برگزیده عبارت بودند از: «مجموعه داستان به کی سلام کنم» (۱۳۵۹) سیمین دانشور، «امروز بشریت» (۱۳۶۷) سید مهدی شجاعی، «ما سه نفر هستیم» (۱۳۷۳) داوود غفارزادگان، «مردی با کفش‌های قهوه‌ای» (۱۳۷۳) فیروز زنوزی جلالی، «دلاویزتر از سبز» (۱۳۷۲) علی موذنی، «بازنشستگی» (۱۳۶۶) محمد محمدعلی، «غریبه و اقاقای» (۱۳۶۶) علی اصغر شیرزادی، «رمان‌های ریشه در اعماق» (۱۳۷۳) ابراهیم حسن‌بیگی و «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» (۱۳۷۵) احمد دهقان. (Movahedi, 2016: 121-122)

برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

قانون سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در بخش فرهنگ و هنر، تحولی اساسی را رقم زد. این قانون با تأکید بر «گردش از تصدی‌گری به نظارت»، نقش دولت را از یک بازیگر فعال در حوزه فرهنگ به یک ناظر و پشتیبان تغییر داد. مهم‌ترین ویژگی این تغییر رویکرد، حمایت از بخش غیردولتی و تشویق مشارکت بخش خصوصی بود (Vahid, 2003: 14). دولت با کاهش دخالت مستقیم خود در فعالیت‌های فرهنگی، زمینه را برای فعالیت‌های متنوع‌تر و خلاقانه‌تر بخش خصوصی فراهم کرد. گزارش نظارت بر عملکرد برنامه سوم توسعه نیز بر لزوم تقویت این رویکرد تأکید کرده و پیشنهاد داده است که دولت به نقش نظارتی خود اکتفا کند و امور اجرایی را به بخش غیردولتی واگذار نماید. یکی از شاخص‌های مهم برای سنجش موفقیت این سیاست، تغییرات در تخصیص بودجه دولت به حوزه فرهنگ و هنر است. کاهش بودجه دولت در این حوزه نشان‌دهنده کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نقش بخش خصوصی می‌باشد.

جدول ۲ - میزان بودجه (میلیون ریال) دولت در بخش فرهنگ و هنر در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳

سال	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳
میزان بودجه	۸۹۸۶۰۰	۹۷۶۱۰۰	۱۱۷۶۸۰۰	۱۸۱۲۴۰۰	۱۴۸۶۶۰۰	۱۶۸۲۲۰۰	۲۵۴۵۲۰۰	۳۲۲۵۵۰۰

(Shahramnia, Chalmaghani, 2011: 19)

در بخش اول قانون برنامه سوم که به حوزه‌های فرابخشی پرداخته است، ذیل فصل اول، ماده اول و ماده دوم، به صراحت به کاهش تصدی‌های دولت، سیستم‌ها و روش‌ها و نیز توسعه مشارکت مؤثر مردم، بخش خصوصی و بخش تعاونی در اداره امور اشاره شده است. آنچه که در ماده اول و دوم قانون برنامه توسعه ذیل فصل اول آورده شده است، اگرچه به شکل صریح به مسائل فرهنگی اشاره نکرده و در عنوان به کاهش تصدی‌های دولت اشاره شده است، اما منجر به یک اقدام فرهنگی در راستای حمایت از نویسندگان و سایر هنرمندان شده است؛ تشکیل صندوق اعتباری هنر از جمله نتایج این سیاست است.

آیین‌نامه تکریم هنرمندان پیشکسوت

این آیین‌نامه بخشی از سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی است که با هدف حمایت از مقام و جایگاه هنرمندان، حفظشان و کرامت آنان و رفع مشکلات معیشتی و اجتماعی آنان به تصویب رسیده است. تصویب این آیین‌نامه در راستای تقویت جایگاه هنرمندان و عمل به اصول قانون اساسی همچون اصول «سوم» (گسترش فرهنگ و هنر) «بیست و نهم» (دسترسی به تأمین اجتماعی) و در راستای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه و اسناد بالادستی نظیر سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی بوده است.

صندوق اعتباری هنر

با هدف حمایت از تولیدات فرهنگی و ارتقای جایگاه هنرمندان در جامعه، صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان، روزنامه‌نگاران و هنرمندان، فعالان فرهنگ، هنر و رسانه، بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و براساس تکلیف برنامه سوم توسعه و در راستای سیاست انتقال بخشی از تصدی‌های دولتی با تصویب هیأت وزیران در سال ۱۳۸۲ تشکیل شد. این صندوق تلاش کرده است تا با ارائه خدمات متنوع، بخشی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی هنرمندان را کاهش دهد. اگر چه بهبود عملکرد صندوق نیاز به حمایت‌های دولتی و توجه بیش از پیش سیاستگذاران دارد.

دولت نهم و دهم (۱۳۸۴-۱۳۹۲)

گفتمان فرهنگی دولت محمود احمدی‌نژاد در مقایسه با دولت خاتمی، تفاوت‌های چشمگیری داشت و بر محورهایی چون عدالت‌محوری، بازگشت به ارزش‌های انقلاب اسلامی، تأکید بر هویت اسلامی-ایرانی، نقد غرب‌گرایی و مبارزه با تهاجم فرهنگی شکل گرفت. این گفتمان تا حد زیادی با رویکردهای محافظه‌کارانه و ایدئولوژیک همراه بود. بررسی متون و اسناد در مورد گفتمان فرهنگی دولت نهم حکایت از آن دارد که تمام تلاش‌های دولت نهم در عرصه فرهنگ معطوف به شکل‌گیری گفتمانی مبتنی بر فرهنگ اسلامی بوده است. زیرا احمدی‌نژاد و حامیان‌ش اعتقاد داشتند که در دوران اصلاحات، گفتمانی لیبرالی و ضددینی بر ایران حاکم بود و عملاً گفتمان اسلامی را به چالش کشیده بود. بنابراین تمام تلاش خود را جهت استقرار گفتمان دینی به کار گرفتند. در این دوره، دال مرکزی در عرصه فرهنگ، حاکمیت مدیریت فرهنگی بود که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن شامل تشکیل دولت اسلامی، بازگشت به ارزش‌های اولیه انقلاب، صدور انقلاب، مقابله با تهاجم فرهنگی، ممیزی فرهنگی و ثنویت بود (Farrokhi, Jahangiri, 2021:116-117). تحلیل متون، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها با رئیس‌جمهور دولت دهم حکایت از آن دارد که در این دوره شاهد تغییر گفتمان دولتمردان و شخصیت‌های مؤثر، به‌ویژه در حوزه فرهنگ هستیم. بر این اساس، مدیریت فرهنگی جهان، دال برتر برنامه‌ها و ناکارآمدی فقه، کرامت انسانی، دین جهانی، مکتب ایرانی و تبادل فرهنگی از وقفه‌های مفصل‌بندی گفتمان فرهنگی دولت دهم است (Farrokhi, Jahangiri, 2021:123). در این زمان، موازین تازه‌ای برای ممیزی در وزارت ارشاد تعریف شد. دکتر حنیف اذعان می‌کند که اگرچه در این دوره، موانعی برای انتشار و یا تجدید چاپ برخی داستان‌ها ایجاد شد، با این حال، ارزیابی کلی نشان می‌دهد که داستان‌نویسی در ایران به درجه‌ای از بلوغ و استعداد رسیده بود که با دوره‌های قبل از خود قابل مقایسه نبود. برگزاری جلسات نقد حوزه هنری از سوی راضیه تجار، ابراهیم حسن‌بیگی و فیروز زنوزی جلالی، تا جلسات کانون ادبیات ایران از سوی محمدرضا گودرزی و جلسات نقد و آموزش داستان جمال میرصادقی، نشان‌دهنده رونق بالای کار داستان، به‌ویژه در نیمه اول آن بود. محمدرضا موحدی این دوره را دوره بلوغ و ثبوت نامید (Movahedi, 2016:118).

متمم آیین‌نامه شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران

تصویب متمم آیین‌نامه شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران (۱۳۸۴) نتایج مهمی در ارتقای جایگاه حرفه‌ای و اجتماعی فعالان فرهنگی داشته است. این آیین‌نامه با ایجاد معیارهای شفاف برای ارزیابی، به انسجام و شفافیت در شناخت هنرمندان کمک کرده و با اعطای درجات هنری و ادبی، فعالیت‌های فرهنگی را به رسمیت شناخته است. ارتقای جایگاه اجتماعی هنرمندان، تقویت هویت ملی و فرهنگی از طریق حمایت از آثار مرتبط با ارزش‌های ملی و دینی، و تسهیل ارائه حمایت‌های دولتی مانند بیمه و حمایت مالی، از دیگر پیامدهای این آیین‌نامه بوده که به رشد و توسعه نظام فرهنگی کشور کمک کرده است.

تشکیل کمیته تخصصی فرهنگی شورای ارزشیابی هنرمندان

کمیته تخصصی فرهنگی شورای ارزشیابی هنرمندان در ذیل شورای ارزشیابی هنرمندان، نویسندگان و شاعران کشور تشکیل شد (۱۳۸۴) که در راستای ارزش‌گذاری به تخصص، تجربه و پاسداشت منزلت هنرمندان کشور، وظیفه رسیدگی به درخواست متقاضیان در حوزه دریافت درجه هنری در رشته‌های شعر و داستان‌نویسی را به عهده دارد. نتایج ارزیابی پرونده متقاضیان با ارائه مدرک لازم، نسبت به میزان امتیازی که احراز می‌کنند، موفق به دریافت درجه هنری از درجه یک تا درجه ۵ می‌شوند که طبق ماده ۱۶۶ قانون مدیریت خدمات کشوری، هم تراز با مدرک تحصیلی دکتری تا دیپلم است. البته لازم به ذکر است که این طرح صرفاً برای شاعران و داستان‌نویسان در حوزه هنر مکتوب تصویب شده است و شامل نویسندگان در حوزه‌های دیگر نمی‌شود. تصویب آیین‌نامه تکریم هنرمندان پیشکسوت توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۷۹ انجام شده است و به دنبال این تصویب، تشکیل شورای ارزشیابی هنرمندان و نویسندگان و شاعران در سال ۱۳۸۴ و در دولت بعدی، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. این شورا ذیل کمیته تخصصی فرهنگی شورای ارزشیابی هنرمندان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شده است.

برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴-۱۳۸۸، تمدید تا ۱۳۸۹)

برنامه چهارم توسعه، در فصل نهم با عنوان «توسعه فرهنگی»، حمایت از آثار ادبی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده است. ماده ۱۰۴ به اقداماتی برای رونق اقتصاد فرهنگ و ارتقای کیفیت تولیدات فرهنگی اشاره دارد. بندهای مرتبط با محصولات فرهنگی عبارتند از: بند الف: اصلاح قوانین برای رفع موانع انحصاری و تقویت مشارکت نهادهای غیردولتی در امور فرهنگی بند ب: ایجاد صندوق‌های غیردولتی برای حمایت از تولید، توزیع، و صادرات محصولات فرهنگی بند د: کمک به توسعه زیرساخت‌ها برای رشد تولیدات فرهنگی توسط بخش خصوصی و تعاونی بند و: تسهیلات ویژه برای واردات مواد اولیه و تجهیزات صنایع فرهنگی. بند ز: تغییر نظام یارانه‌ای از تولید به مصرف با اولویت گروه‌های خاص. ماده ۱۱۰ نیز بر تبادل نظر میان هنرمندان و نهادهای فرهنگی تأکید دارد و ماده ۱۱۶ دولت را مکلف می‌کند برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان و بسترسازی برای حضور بین‌المللی، «تدوین لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ» و «ارائه بیمه بیکاری به هنرمندانی که شغل خود را از دست می‌دهند» را انجام دهد. از جمله نتایج این قانون می‌توان به این موارد توجه کرد: تقویت زیرساخت‌ها؛ موجبات اصلاح قوانین و ایجاد صندوق‌های حمایتی که خود زمینه توسعه تولید و صادرات محصولات فرهنگی را فراهم کرده است. جهانی‌سازی ادبیات: با اقداماتی نظیر تسهیل ورود به بازارهای جهانی می‌تواند به معرفی ادبیات داستانی ایران منجر شود. باین‌حال، همچنان موانعی مانند عدم پیوستن به کنوانسیون برن و ضعف در معرفی ادبیات ایرانی به جهان وجود دارد. همچنین بهبود وضعیت معیشتی هنرمندان که با ایجاد نظام بیمه بیکاری و امنیت شغلی می‌تواند امنیت اقتصادی نویسندگان و هنرمندان را تضمین کند.

قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان

این قانون با ۳۳ ماده و ۳ تبصره، به تعریف «پدیدآورنده» و «اثر» پرداخته و آثار مورد حمایت خود را شامل نوشته‌های علمی، فنی، هنری و ادبی معرفی کرده است، اما به ادبیات داستانی به‌طور مستقیم اشاره‌ای ندارد (سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، بی تا). ماده ۳ حقوق پدیدآورنده را شامل نشر، پخش و بهره‌برداری مادی و معنوی از اثر می‌داند و ماده ۴ تأکید می‌کند که حقوق معنوی محدود به زمان و مکان نبوده و غیرقابل انتقال است. این تعریف یک تعریف کلی و نارسا در فهم مفهوم ادبیات در معنای کلی و نیز ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی است. در سال ۱۳۸۹ طرح اصلاح ماده ۱۲ این قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این طرح، مدت حمایت آثار از ۳۰ سال به ۵۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده افزایش یافت. بدین

ترتیب قانون ایران در زمینه مدت حمایت حق تکثیر با ماده ۱۲ موافقتنامه تریپس^۱ هماهنگ شد. براساس این اصلاحیه، بعد از مرگ پدیدآورنده، اگر وارثی برای اثر وجود نداشته باشد یا حقوق آن بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار حاکم اسلامی (ولی فقیه) قرار می‌گیرد.

برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

در برنامه پنجم توسعه، توجه ویژه‌ای به حوزه فرهنگ و هنر شده است. فصل هشتم این برنامه به توسعه فرهنگی اختصاص دارد و اهداف آن شامل تقویت زیرساخت‌های فرهنگی، حمایت از آثار و هنرمندان و ارتقاء آگاهی فرهنگی جامعه می‌باشد و بر ایجاد بسترهای مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی، به‌ویژه در بخش خصوصی و تعاونی تأکید شده است. ماده ۱۴۴ به حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فرهنگی و هنری پرداخته و دولت را موظف به تقویت حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان، به‌ویژه در زمینه‌های نشر، پخش و مالکیت فکری کرده است. ماده ۱۴۷ به ایجاد نهادهای حمایتی و صندوق‌های مالی برای کمک به هنرمندان و پدیدآورندگان اشاره دارد و دولت را موظف به فراهم آوردن زمینه‌های مالی و حمایتی برای تولید و توزیع آثار فرهنگی و هنری می‌کند. ماده ۱۴۹ نیز بر لزوم توسعه سیاست‌های فرهنگی با هدف ارتقاء کیفیت و تنوع تولیدات فرهنگی و هنری تأکید دارد و به جلب مشارکت بخش خصوصی و غیر دولتی در این حوزه اشاره می‌کند.

لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت فکری

بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف شد تا نظام جامع حقوق مالکیت معنوی را طراحی و اجرا کند. به این منظور، ماده ۴۵ (بند الف)، این قانون به طور مشخص بر طراحی و استقرار کامل این نظام تأکید کرده و ماده ۱۳۰ (بند ز)، نیز بر پایه‌گذاری و تضمین بنیادهای حقوق مالکیت معنوی در قلمرو قضائی کشور تأکید دارد. با این حال، لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت فکری هنوز در مرحله بررسی در مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

نقشه مهندسی کشور

نقشه مهندسی کشور مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۱) به عنوان یک سند سیاستی که نقش راهبر را در عرصه فرهنگی ایفا می‌کند، در فصل پنجم خود با عنوان «اولویت‌های فرهنگی»، مجموعه اولویت‌های فرهنگی کشور را مسائل و چالش‌های اساسی موجود که ناظر به ارزش‌ها، الگوهای رفتاری، محصولات و نمادهای فرهنگی کشور در سطوح فرهنگ ملی (اسلامی - ایرانی)، عمومی و حرفه‌ای می‌باشند، تعیین کرده است. اولین اولویت فرهنگی کشور که نقشه مهندسی به آن اشاره کرده است عبارت است از «هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی؛ انتظار منجی، قرآن و عترت، نماز و مسجد، ولایت فقیه، فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت، زبان، ادبیات و خط فارسی». در هیچ کدام از بندهای تعیین شده اولویت فرهنگی کشور به مساله ادبیات داستانی به صراحت اشاره نشده است و تنها در مورد اول آن به عنوان کلی «ادبیات» اشاره شده است.

۱. تریپس موافقتنامه‌ای بین المللی است که به وسیله سازمان تجارت جهانی مدیریت می‌شود و حداقل استانداردهای جهانی را برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو تعیین می‌کند. ماده ۱۲ تریپس به مدت حمایت از آثار هنری پرداخته است. این قانون اظهار می‌دارد که هرگاه مدت حمایت از اثری، غیر از اثر عکاسی یا اثری از هنر عملی، بر مبنایی غیر از عمر شخص محاسبه شود، چنین مدتی حداقل ۵۰ سال پس از پایان انتشار مجاز آن یا در صورت عدم چنین انتشار مجازی ظرف ۵۰ سال پس از خلق اثر ۵۰ سال پس از پایان سال خلق آن خواهد بود.

تشکیل موسسه هنرمندان پیشکسوت

موسسه هنرمندان پیشکسوت در سال ۱۳۹۱ به منظور تجلیل و تکریم هنرمندان با سابقه و برجسته کشور تأسیس شد. این موسسه زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کند و اعضای آن هنرمندانی با بیش از ۶۰ سال سن و گواهینامه درجه یک هنری از شورای ارزشیابی هنرمندان و شاعران کشور هستند (براساس ماده دوم اساسنامه). هدف اصلی این موسسه، براساس ماده سوم اساسنامه، استفاده از تجربیات این هنرمندان برای رشد فرهنگ و هنر کشور و همچنین حمایت از آن‌ها در برابر مشکلات است.

اقدام مشترک سه دولت در حمایت از آثار ادبی

از دیگر حمایت‌های ادبی می‌توان به برگزاری جایزه های ادبی که غالباً با حمایت نهادهای دولتی - حاکمیتی و یا نهادهای غیر دولتی و غیررسمی دوستدار ادبیات اتفاق می‌افتد اشاره کرد، جوایز ادبی علاوه بر برجسته‌سازی فعالیت‌های فرهنگی، عاملی انگیزه‌بخش برای مولفان و خالقان آثار ادبی است. اگرچه می‌بایست اذعان کرد، آمار جوایز ادبی در ایران شفاف نیست زیرا جمع‌بندی واحدی از آنها زیر نظر نهادی خاص صورت نگرفته، بر همین اساس برخی زنده‌اند و برخی به تاریخ پیوسته است.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی

تحلیل سیاست‌گذاری‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در حوزه ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نه تنها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر گفتمان فرهنگی هر دولت بوده‌اند، بلکه ضعف‌های ساختاری و بنیادین در تدوین این سیاست‌ها نیز تأثیرات عمیقی بر این حوزه داشته‌اند. در دوره‌های مختلف، سیاست‌گذاران تلاش‌هایی برای حمایت از حوزه فرهنگ و هنر داشته‌اند، اما این تلاش‌ها عمدتاً به‌صورت کلی و بدون توجه به ویژگی‌های خاص ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی بوده است. این ضعف، با عدم وجود یک چارچوب قانونی جامع و مشخص و نبود مکانیسم‌های حمایتی هدفمند، تشدید شده است. برای حمایت از ادبیات داستانی نویسندگان انقلابی، تدوین چارچوب‌های قانونی شفاف در زمینه نشر، توزیع و فروش آثار ضروری است. همچنین، ارائه کمک‌های مالی، تسهیلات ویژه و بورس‌های پژوهشی برای نویسندگان و ناشران، به‌ویژه نویسندگان نوپا، می‌تواند به تقویت این حوزه کمک کند. توسعه زیرساخت‌های نشر و توزیع آثار با حمایت از ناشران مستقل نیز دسترسی به این ادبیات را بهبود می‌بخشد. تأسیس نهادهای تخصصی برای نظارت بر کیفیت آثار و ارائه مشاوره به نویسندگان از دیگر اقدامات مؤثر است. برگزاری دوره‌های آموزشی، کارگاه‌های نویسندگی و تشویق به نقد آثار نیز می‌تواند به ارتقای کیفیت تولیدات کمک کند. علاوه بر این، ترویج مطالعه از طریق جشنواره‌ها، رویدادهای فرهنگی و برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها اهمیت دارد. استفاده از فناوری‌های نوین مانند پلتفرم‌های دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی برای انتشار و توزیع آثار، دسترسی به این ادبیات را گسترش می‌دهد. در نهایت، ترجمه و معرفی آثار انقلابی در سطح جهانی و ایجاد ارتباطات فرهنگی با نهادهای بین‌المللی می‌تواند تأثیرگذاری این ادبیات را افزایش دهد.

References

- 1- Ashtarian, Kiyomarth (2012). An introduction to cultural policymaking. Tehran: Sociologists. [In Persian]
- 2- Azad Aramaki, Taghi, Manouri, Noah (2010). Providing a model for content analysis of cultural policies. Cultural Studies and Communication, 20(6), 47-76. [In Persian]
- 3- Ashtarian, Kiyomars (1997). Policy Sciences and Its Achievements for Iran. Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 32, 160-169. [In Persian]
- 4- Ashtarian, Kiyomars (2008). Institutional approach in technological innovation policymaking. Politics Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 38(1), 1-14. [In Persian]
- 5- Akbari Shaldaraei, Fereydoun (2003). An Introduction to Fiction Literature after the Islamic Revolution. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. [In Persian]

- 6- Bahmi, Karimi Fard, Golestani (2019). Comparative study of the performance of Hashemi Rafsanjani and Khatami governments in achieving good governance. Quarterly Journal of the Approach to the Islamic Revolution, 14(53), 287-308. [In Persian]
- 7- Farrokhi, Alireza, Jahangiri, Jahangiri (1400). Cultural discourse of the ninth and tenth governments. Quarterly Journal of Cultural Sociology, 12(2), 111-134. [In Persian]
- 8- Fawzi, Yahya (2019). Political and Social Developments in the Islamic Republic of Iran 1978-2017, Tehran: Samat. [In Persian]
- 9- Fazli, Nemat Elah (2006) "Cultural Policy Textbook" Allameh Tabataba'i University. [In Persian]
- 10- Goygan, Jim Mack (2009). Rethinking Cultural Policy. (Translated by Morteza Qlich and Nematollah Fazeli). Tehran: Imam Sadeq University (AS). [In Persian]
- 11- Haghighat, Seyyed Sadeq; Methodology of Political Science, Qom, Mofid University Publications, 2008, second edition. [In Persian]
- 12- Hanif, M. (2016). Political Story, Revolution Story. Tehran: Publishing Organization of the Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- 13- Julai, Seyed Mehdi, Entezari, Ali (2021). The Evolution of Cultural Policies of the Ministry of Culture and Islamic Guidance in Post-Revolutionary Governments. Quarterly Journal of Strategic Management Studies of National Defense, 5(19), 137-170. [In Persian]
- 14- Stoker, Jerry, Marsh, David (2005). An Introduction to Method and Theory in Political Science (translated by Amir Mohammad Haji Yousefi). Tehran: Strategic Studies Research Institute. [In Persian]
- 15- Supreme Council of the Cultural Revolution (2000). Principles of Cultural Policy of the Islamic Republic of Iran. Tehran. [In Persian]
- 16- Sharifi, Seyed Alireza, Fazeli, Abdolreza (2012). Evaluation of Cultural Policy Making in the Islamic Republic of Iran (Damages and Strategies). Quarterly Journal of Parliament and Strategy, 19(69), 55-90. [In Persian]
- 17- Shahramnia, Masoud, Chalmaghani, Marzieh (2011). Cultural Policymaking in Iran during the Reform Era from a Critical Perspective. Specialized Scientific Journal of Political Research, 1(2), 9-24. [In Persian]
- 18- Shiri, Tahmoorh, Hassan Ostad Ali, Zahra (2013). Factors affecting the performance and cultural policymaking of the ninth and tenth governments. Iranian Quarterly Journal of Social Development Studies, 6(1), 121-135. [In Persian]
- 19- Salehi Amiri, Seyed Reza (2006). Management of Ethnic Conflicts in Iran. Tehran: Strategic Research Center. [In Persian]
- 20- Safaei, Rahbar. (1402). Discursive Cycle in Cultural Policy-Making of the Islamic Republic of Iran in the 1990s. Political Sociology of the Islamic Revolution, 14(4), 61-82. [In Persian]
- 21- Shakibania, Mehdi (2015). An attitude towards the dimensions of cultural engineering planning. Tehran: Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution. [In Persian]
- 22- Kafi, Gholamreza (2011). Understanding the Literature of the Islamic Revolution. Tehran: Foundation for the Preservation of Works and the Publication of the Values of Sacred Defense. [In Persian]
- 23- Mehdi, Ali Akbar (2006). Civil Resistance, Political Forces and Reforms. Monthly Political and Social Research of Aiyin, 4. [In Persian]
- 24- Mir Abedini, Hassan (2000). Fictional Literature in 1976. Bukhara, 5. [In Persian]
- 25- Movahedi, Mohammad Reza (2016). Islamic Revolution and Fictional Literature. In the Literature of the Islamic Revolution (with the efforts of Mohammad Reza Turki). Tehran: Persian Language and Literature Academy and Samat. [In Persian]
- 26- Ramezani, Mehdi, Partovi, Asghar, Eyozzadeh, Hassan, Farshid, Jafari (2019). Cultural Policymaking of the Islamic Republic of Iran: Background, Patterns, and Damages Relying on Authority. Quarterly Journal of Cultural-Social Strategy, 8(32), 69-96. [In Persian]
- 27- Shujaei, S. M. (۲۰۰۸). An interview with Seyyed Mehdi Shojaei. Book of the month of literature, (22, serial number 136), Bahman. 23-25 [In Persian]
- 28- Sereshar, M. R. (2011). Iranian Fiction after the Islamic Revolution. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]
- 29- Turki, Mohammad Reza. (2015). Islamic revolution and fictional literature, literature of the Islamic revolution, Tehran: Persian Language and Literature Academy and Samt. [In Persian]
- 30- Vahid, Majid (2003). From the Culture of Policy-Making to Cultural Policy-Making. Policy-Making and Culture in Iran Today. Tehran: Research Institute of Culture and Art. [In Persian]
- 31- Zakai, Mohammad Saeed, Shafiei, & Somiasadat. (2010). An autopsy of the cultural policy of the Islamic Republic of Iran. Cultural Studies and Communication, 20(6), 77-120. [In Persian]
- 32- Electronic sites
- 33- National System of Laws and Regulations of the Islamic Republic of Iran, [In Persian]
- 34- Ministry of Culture and Islamic Guidance website. [In Persian]
- 35- Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- 36- National System of Laws and Regulations of the Islamic Republic of Iran, (BITA). [In Persian]
- 37- Order, database, laws and regulations of the country. [In Persian]